

نگاه

## شیراز در لیگ برتر

امیر جاوید

در شروع لیگ برتر ششم چنین به نظر می‌رسد که شرایط دو تیم شیرازی کاملاً بر وفق مراد است و این دو تیم نسبت به دوره‌های قبلی در وضعیت بهتری قرار دارند. نخست از تیم اول شیراز یعنی برق با سابقه‌ای بیش از ۵۸سال باید گفت که در این فصل و از روز اول بسیار به‌موقع وارد عمل شد. کادر فنی قابل‌قبولی را جذب کرد و با توجه به نظم کادر فنی و نیاز تیم مهرب‌های قابل‌قبولی را نیز به خدمت گرفت. این تیم ابتدا دکتر ذوالفقارنسب را به عنوان سرمربی برگزید و از علی افتخاری و اکبر دراستانی به عنوان کمک‌های این مربی استفاده برد. برق کاملاً از یک کادر غریبومی بهره می‌گیرد هر چند که علی کلاتری کاپیتان سابق برق را نیز در این گروه جای داده‌اند ولی وی کماکان در خدمت تیم ملی جوانان در کنار احمدزاده است و هنوز کاملاً در خدمت برق نبوده است. مهم‌ترین تحول در این تیم را باید به اختیارات کامل و حمایت همه‌جانبه وزارت نیرو از کادر فنی این تیم دانست که این نقطه عطف این فصل برق خواهد بود و از دخالت گاه و بی‌گاه مسئولین این تیم همانند چند فصل گذشته خبری نیست و با توجه به شخصیت دکتر فوتبال ایران قطعاً وی اجازه چنین دخالت‌هایی را نخواهد داد و دکتر مستقل و با فراغ بال و حمایت همه‌جانبه مهندس یوسف‌پور رئیس‌هیات‌مدیره برق به کار خود ادامه می‌دهد. این خود بسیار مهم است که می‌تواند ضامن موفقیت برق در فصل جدید باشد.
برقی‌ها امسال فقط نتوانستند مهدی شیری را که واقعاً به آن نیاز داشتند حفظ کنند و ظاهراً اختلاف وی با مدیر باعث جدایی وی شد و بقیه بازیکنان اسمی دیگر یعنی بهروز پاکنیت، مهدی عینی، جمال عباسی و کورش حدیدی و چندتای دیگر را دقیقاً با نظر مستقیم کادر فنی از دست دادند و جذب بازیکنانی نظیر محمد آقامحمدی، مسجنی انصافی، رایفک مارگومس، حمیدرضا ابراهیمی، مهدی کریمیان، هیل و رضا ابراهیمیان را در روز آخر به همراه پیام حاجی نجف از فولاد نیز با نظر مستقیم ذوالفقارنسب جذب کردند تا از این نظر نیز کارشان را از روی برنامه به انجام رسانده باشند.
بازی‌های تدارکاتی و اردوی یک‌هفته‌ای در تهران و اردوی یک‌هفته‌ای در کشور ترکیه و بازی با تیم پیکان و یک تیم از ترکیه‌آخرین مرحله از اردوی آماده‌سازی این تیم برای شرکت در دوره ششم لیگ برتر بود. تا اینجای کار و از روی کاغذ همه چیز بر وفق مراد اولین نماینده دیار حافظ و سعیدی در لیگ ششم است و حال مانده مسابقات و روز موعود.
شاید یکی از نکته‌هایی که در این تیم به چشم آید عدم حضور جوانان شیرازی است که در فصل پیش باشگاه از سه سال گذشته تاکنون وعده آن را می‌داد و امسال که سال چهارم حضور وی به عنوان مدیر است بر اساس برنامه ریزی‌ای که قبلاً نوید آن داده شده بود کلاً باید تیم برق را جوانان بومی تشکیل می‌دادند که در چند فصل گذشته پرورده شده‌اند و حال موقع ثمر ماند و این مدعا از جانب مدیر فقط در حد حرف باقی است و عملی نشد.
جالب این است که در ترکیب یازده نفره برق در این فصل شاید دو یا نهائیاناً سه بازیکن شیرازی بیشتر قرار نگیرند که این به نوبه خود زیاد نمی‌تواند کارنامه موفقی در پرورش جوانان برای چنین تیمی با این سابقه ورزشی باشد هر چند که با گفتن این حرف که فوتبال حرفه‌ای شده و باید به آن به دید حرفه‌ای نیز نگاه کرد خود می‌تواند مهر سکوت بر لب منتقدان برزند و آنها را آرام کند. در هر صورت در روزهای آخر با ابقای مجدد مدیرعامل برق فعلاً تیم از شرایط بحرانی خارج شده و به گفته ایشان با فراهم شدن کلبه شرایط برای کادر فنی، شیرازی‌ها می‌توانند امسال تیم خود را در رده ششم تیم بالای جدول ببینند، چرا که همه کارها از روی برنامه انجام شده و بهانه‌ای وجود ندارد. این حرف مدیرعامل باشگاه خود نقطه‌قوتی است برای شیرازی‌ها که این فصل را بدون استرس پشت سر گذارند و بسان سه فصل گذشته را نیز آخر برای ماندن در لیگ برتر دست و پا نزنند.

■ **فجر**

دیگر تیم شیرازی حاضر در لیگ برتر فجر است. فجری‌ها که کماکان غلام پروانی را به عنوان سرمربی در اختیار دارند این فصل را با از دست دادن حسین آنا، بهرام اسماعیلی، وحید رضایی و فرشید طالبی در حالی آغاز کردند که یونس گرائیلی، بهمن طهماسبی و حامد شیری را به خدمت گرفته‌اند. این تیم به نظر می‌رسد که در این فصل بسیار موفق‌تر از فصول پیش به حفظ بازیکنانش و به کارگیری بازیکنان مورد نیازش از تیم‌های دیگر پرداخته است، چرا که با توجه به بهرام اسماعیلی و فرشید طالبی در فصل گذشته بسیار کم به بازی گرفته شدند و شاید فقط یفن حسین آشنا برای آنها مشکلاتی را در درون دروازه به وجود آورد، چرا که پروانی تصمیم به استفاده از دروازه‌بان امید این باشگاه در این فصل دارد و دروازه‌بانان باتجربه دیگری را جذب نکرده‌اند. حضور ۵ بازیکن به نام‌های محسن نسیانی، امید روانخواه، غلامرضا رضایی، مرتضی خازنده و هاشم بیک‌زاده که همگی آنها به تازوب به تیم ملی امید و بزرگسالان دعوت شده‌اند در کنار بازیکنان باتجربه‌ای همانند احسان ساسانی، بابک پورغلامی، بهمن طهماسبی، گرائیلی و چند تای دیگر نشان از تیمی بانشاط، جوان، پرقدرت و در عین حال با تجربه را نشان می‌دهد که دیگر حکم تفنگ‌بادی را ندارد و به خودی خود یک تیربار پرقدرت و تمام‌عیار است، تیمی که بسیار خطرناک و پرهمزه نشان می‌دهد و به چنگ آوردن بیک‌زاده ملی‌پوش در روز آخر نیز توان روحی و قدرتی خط‌هافبک این تیم را کاملاً بالا برده است.
انجام چند دیدار تدارکاتی در تهران، اصفهان و شیراز و شروع تمرینات این تیم از اوایل خردادماه بدون تعطیلی از دیگر نقاط قوت این تیم در فصل ششم لیگ برتر است. فجری‌ها اگر از دور دروازه مشکلی برایشان به وجود نیاید، می‌توانند از تیم‌های خوب این فصل باشند هرچند که مدیرعامل این باشگاه با گفتن این جمله که امسال نیز از هیچ حرفی نمی‌ترسیم و لقمه‌ای گلگوبگر برای همه این تیم‌ها هستیم نشان از موقعیت مناسب و خوبی است که این تیم نسبت به فصول قبل از آن بهره می‌برد و آنها نیز حرف‌های زیادی در این فصل برای گفتن دارند.
با توجه به شرایط موجود شیرازی‌ها بایتی امسال فوتبال‌های خوب به همراه نتیجه را از دو تیم خود انتظار داشته باشند.

مستشار در لغت به کسی اطلاق می‌شود که «مورد مشورت قرار می‌گیرد و از توانایی‌های ذهنی او بهره‌برداری می‌شود.» اما در تاریخ ۹۶ساله حضور مستشاران خارجی در ایران، کلمه مورد نظر به کارشناسان امور نظامی، اداری و مالی و سیاسی اطلاق شده است. از کلنل لیخوف تا مورگان شوستر و . . . اما اولین مستشار ورزشی ایران، «جان‌هاکر» بود که بسیاری از اصول تیم‌داری در فوتبال را به مردان متقدم این ورزش مثل مرحوم عباس اکرامی مومس باشگاه شاهین آموخت. هاکر در سال‌های پایانی حکومت ۱۶ساله پهلوی اول در ایران خدمت کرد. او که کارشناس نفت و در صنعت نفت آبادان مشغول فعالیت بود، از همان‌جا، کارش را در فوتبال ایران آغاز کرد. در ورزش دنیا، فرانسوی‌ها مبدع بیشتر ایده‌های خلاق و مهم بوده‌اند، تفکر پیدایش المپیک با تلاش فرانسوی‌ها شکل گرفت. ۱۸۰۹ با حضور سهرارد فورد جونز نهضت المپیک نوین بود و ژول ریمه به همراه هنری دولوته جام جهانی را پایه گذاشتند. فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی نیز با تلاش مردان این سرزمین تأسیس شدند اما در ایران، پیدایش تمام ورزش‌ها مرون حضور انگلیسی‌ها در ایران بود. اگر شناسنامه فوتبال ایران از سال ۱۸۰۹ با حضور سهرارد فورد جونز فرستاده ملکه بریتانیا در کاخ فتحعلی‌شاه صادر شد، اولین کارشناس رسمی فوتبال (جان‌هاکر) و اولین مربی رسمی فوتبال (دان‌گیبل) در ایران هم انگلیسی بودند. هرچند بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رنگ ردیای انگلیسی‌ها در سیاست، نظام و سایر امور کمرنگ شد اما تأثیرگذاری ادامه داشت. از حضور آلن راجرز سرمربی انگلیسی پرسپولیس که کارش را در تیم پیکان اوتومبیل ملی اما تمام انگلیسی دهه ۴۰ آغاز کرد تا حضور بازیکنان خارجی در ایران– که بازمانده‌های مستشارهای خارجی در ایران بودند!

علی عبده عاشق حرفه‌ای گری نبود. او که برادر جلال‌الممالک عبده حاکم شیرتون و مسئول دادگاه‌های معروف ابتدای دهه ۲۰ و محاکمه خائنین دوره پهلوی اول بود، از لحاظ سیاسی قدرت بسیار داشت اما برخلاف پرویز خسروانی که عاشق حضور سازمان تربیت بدنی بود او ترجیح می‌داد در پشت پرده قدرت، به زد و بند با سیاستمداران درجه اول بپردازد. در سال ۵۱ پرسپولیس را حرفه‌ای کرد و تیم‌های بزرگی مثل هامبورگ، کریستال پالاس، کروزیرو، چلسی و . . . را به ایران آورد.

اما وقتی رقبای بد جنس او همراهی‌اش نکردند و رسیدند که نام او به عنوان پیشگام حرفه‌ای گری ثبت شود، حرفه‌ای گری تعطیل شد. با این حال روحیات حرفه‌ای گری از سر عبده که در واشینگتن مسوول فدراسیون والیبال این ایالت بود دور نشد. بر این اساس در سال ۱۳۵۵ و ۲ بازیکن انگلیسی را به ایران آورد. در سال ۵۵ ویلیام مک لوری بازیکن ۲۱ساله اسکاتلندی که متعلق به یک خانواده مذهبی اسکاتلندی بود در تیم آماتورهای لیورپول بازی می‌کرد به ایران

آمد. او ۲ بازی در این سال برای پرسپولیس انجام داد و یک گل زد و رفت. مک لوری در اندازه‌های حضور ثابت در کناسر پروین، اما اولین مستشار ورزشی ایران، «جان‌هاکر» بود که بسیاری از اصول تیم‌داری در فوتبال را به مردان متقدم این ورزش مثل مرحوم عباس اکرامی مومس باشگاه شاهین آموخت. هاکر در سال‌های پایانی حکومت ۱۶ساله پهلوی اول در ایران خدمت کرد. او که کارشناس نفت و در صنعت نفت آبادان مشغول فعالیت بود، از همان‌جا، کارش را در فوتبال ایران آغاز کرد. در ورزش دنیا، فرانسوی‌ها مبدع بیشتر ایده‌های خلاق و مهم بوده‌اند، تفکر پیدایش المپیک با تلاش فرانسوی‌ها شکل گرفت. ۱۸۰۹ با حضور سهرارد فورد جونز نهضت المپیک نوین بود و ژول ریمه به همراه هنری دولوته جام جهانی را پایه گذاشتند. فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی نیز با تلاش مردان این سرزمین تأسیس شدند اما در ایران، پیدایش تمام ورزش‌ها مرون حضور انگلیسی‌ها در ایران بود. اگر شناسنامه فوتبال ایران از سال ۱۸۰۹ با حضور سهرارد فورد جونز فرستاده ملکه بریتانیا در کاخ فتحعلی‌شاه صادر شد، اولین کارشناس رسمی فوتبال (جان‌هاکر) و اولین مربی رسمی فوتبال (دان‌گیبل) در ایران هم انگلیسی بودند. هرچند بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رنگ ردیای انگلیسی‌ها در سیاست، نظام و سایر امور کمرنگ شد اما تأثیر گذاری ادامه داشت. از حضور آلن راجرز سرمربی انگلیسی پرسپولیس که کارش را در تیم پیکان اوتومبیل ملی اما تمام انگلیسی دهه ۴۰ آغاز کرد تا حضور بازیکنان خارجی در ایران– که بازمانده‌های مستشارهای خارجی در ایران بودند!

علی عبده عاشق حرفه‌ای گری نبود. او که برادر جلال‌الممالک عبده حاکم شیرتون و مسئول دادگاه‌های معروف ابتدای دهه ۲۰ و محاکمه خائنین دوره پهلوی اول بود، از لحاظ سیاسی قدرت بسیار داشت اما برخلاف پرویز خسروانی که عاشق حضور سازمان تربیت بدنی بود او ترجیح می‌داد در پشت پرده قدرت، به زد و بند با سیاستمداران درجه اول بپردازد. در سال ۵۱ پرسپولیس را حرفه‌ای کرد و تیم‌های بزرگی مثل هامبورگ، کریستال پالاس، کروزیرو، چلسی و . . . را به ایران آورد.

اما وقتی رقبای بد جنس او همراهی‌اش نکردند و رسیدند که نام او به عنوان پیشگام حرفه‌ای گری ثبت شود، حرفه‌ای گری تعطیل شد. با این حال روحیات حرفه‌ای گری از سر عبده که در واشینگتن مسوول فدراسیون والیبال این ایالت بود دور نشد. بر این اساس در سال ۱۳۵۵ و ۲ بازیکن انگلیسی را به ایران آورد. در سال ۵۵ ویلیام مک لوری بازیکن ۲۱ساله اسکاتلندی که متعلق به یک خانواده مذهبی اسکاتلندی بود در تیم آماتورهای لیورپول بازی می‌کرد به ایران

## ورزشی

## نگاهی به حضور خارجی‌ها در فوتبال ایران

# از پسر متدین لیورپول تا کارگر شاکی پرسپولیس

**مهدی حدادپور**



به کریستال پالاس رفت. لیتون اورینت تیم بعدی او بود. ویتل از این تیم به پرسپولیس آمد. در پرسپولیس، ویتل دوران خوبی را سپری کرد و مکمل خوبی برای خوردین، ایرانپاک و زاده‌مهر در خط حمله سال‌های ۵۵ تا ۵۷ پرسپولیس شد. اما به دنبال پیروزی انقلاب و تعطیلی فوتبال و اوج گیری احساسات توده‌ای ضدانگلیسی و آمریکایی ویتل به انگلستان برگشت و بعد از مدت کوتاهی حضور در تیم پورتنسموث انگلستان فوتبالش را در استرالیا به پایان برد. ویتل در سال ۱۹۷۲، وقتی ۲۲ساله بود، توسط سر آلف رمزی به تیم ملی انگلستان دعوت شد. او در حال حاضر جزء مراجعین دائمی و پروپا قرص سایت تیم فوتبال اورتون انگلستان است.

حضور خارجی‌ها در فوتبال ایران بعد از انقلاب ۲ سال بعد از پایان جنگ در بهار سال ۱۳۶۹ آغاز شد. حضور مردان ۵ سال اول، بیشتر اجباری و آماتورآمانه بود. جان اسکات پیناک که سال ۶۹ برای فوتبال مشغولند که در سطح ملی صاحب نام و اعتبار هستند. عبدالوهاب ابوالهیل و عمادرضا در تیم سپاهان به جز این اسکاتلندی، سعید آگین ساینه که در سال‌های ۷۰ تا ۷۳ برای تیم‌های پورا و بانک تجارت بازی می‌کرد، فرزند یکی از کارمندان سفارت نیجریه در ایران بود. واسیلی گوجا که کارشناس کارخانه تراکتورسازی رومانی بود، سرمربی تیم تراکتورسازی تبریز شد. اما یکی از اولین انتقال‌های حرفه‌ای در دل فوتبال آماتور ایران حضور بازیکن روس ذوب‌آهن در سال ۷۳ بود. سرگئی پاناماریف در این سال توسط یوگنی لیادین سرمربی وقت ذوب‌آهن به ایران آمد و چند بازی نه چندان خوب را برای تیم فوتبال ذوب‌آهن انجام داد. در سال ۱۳۷۴، آرزائتی‌ها وقتی در آستانه سقوط به لیگ دسته دوم بودند با یک پیشنهاد جدی مواجه شدند. استفاده از بازیکنان غیرارمنی! اما آنها تسلیم نشدند و برای پر کردن خلاء بازیکنان درجه اول ارمنی به ارمنستان رفتند و ۳ بازیکن اهل این کشور یعنی آزاد نیگویان، لئون اسپتانیان و سواد آرزو مانیان را به ایران

ویدزه ششمین دوره لیگ برتر فوتبال ایران آوردند. این سه نتوانستند آرزات را نجات دهند ولی راه حضور ارمنی‌ها در فوتبال ایران باز کردند. طی سال‌های بعد، مردانی چون آرمسناک وپطرسیان که دروازه‌بان تیم ملی ارمنستان بود به ایران آمدند. ماشین‌سازی تبریز، پیشگام حضور بازیکنان آذربایجانی در فوتبال ایران بود. آصف غازاوف مربی ارمنستان، مسافران ایران طی سالیان اخیر بوده‌اند. فابيو کاروالیودوستوز هم بدیع‌ترین برزیلی فوتبال لیگ است که سنگربان تیم ذوب‌آهن است و گفته می‌شود در دسته دوم لیگ پرتغال بازی می‌کرده است.

آفریقایی‌ها با حضور سعید آگین سانیا خودشان را به فوتبال ایران معرفی کردند، اما در دوره جدید امیر عابدینی و تیم پاسارگاد سرآمد استفاده از بازیکنان خارجی مثل ذنی اولروم بود که در حال حاضر بازیکن تیم فوتبال ایومسلم مشهد است. بعد از او تیم‌های بسیاری از نفرات خارجی بهره بردند که از بین آنها می‌توان به سامبوچوجی در پرسپولیس اشاره کرد. این نیجریه‌ای را که می‌گفتند ماشین گلزنی باشگاه ساربروکن آلمان بوده مدت‌ها است بی‌نام و نشان در اروپا گم شده است. عیسی تراوره مالیایی امروز در تیم پاس چهارمین فصل حضور خود را در ایران تجربه می‌کند. پرسپولیس در سال گذشته یک بازیکن بی‌نام و نشان به اسم رافائل ادترو را به کار گرفت که مدت‌ها در تیم‌های کارگری امارات و استرالیا بازی می‌کرد و در سایت فدراسیون فوتبال استرالیا در سال ۲۰۰۳ استمداد کرده بود به او تیم بدهند! حالا این بازیکن به جرگه شاکیان پرسپولیس درآمده است. جاکوئیس اولرین لئونگ ۲۰ساله آخرین آفریقایی پرسپولیس در سال‌های اخیر بوده که در واقع اولین کامرونی گل نیز به شمار می‌رود. اروپای شرقی همواره از لحاظ اقتصاد ضعیف‌تر از غرب بوده است. مستشاران ارزان و کم‌مایه اروپای شرقی در سالیان اخیر همیشه در لیگ ایران حاضر بوده‌اند. ایلیا پروسکی، ساشا ایلچ، جورج تاپالوویچ و . . . در ادوار گذشته به لیگ ایران آمدند اما امروز در بین تیم‌های مختلف لیگ از کشورهای چک، اسلواکی، بوسنی، مقدونیه و . . . نفراتی مثل رابرت ساهرا در پرسپولیس، پتروویچ در ایومسلم مشهد، آلن آودیچ و المیر تولیبا در صباباتری، میروسلاو هیل در مس کرمان و . . . هنوز در فوتبال ایران حاضر هستند. بقیه خارجی‌های لیگ معمولاً خارجی‌های متفرقه هستند. کارلوس روبن و آنتونی تورس پانامایی و گیلاتوری گرجستانی و . . . هادی فوتبال‌های حضور در تیم منتخب فصل لیگ قرار گیرند. مستشاران خارجی فوتبال ارزان و کم‌خاصیت هستند. هر چند در سالیان اخیر سطح کیفی این نفرات چند درصد بهتر شده اما حکایت همان است که از ابتدا بود: ضعیف، بی‌مایه و پایین‌تر از شأن فوتبال ملی ایران.

پنج‌شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۵

نگاه

## نگاهی به نمایندگان اصفهان در لیگ

جواد خلیفه سلطان

شنبه آینده رنگ ششمین دوره مسابقات لیگ برتر باشگاه‌های کشور به صدا درمی‌آید تا شانزده تیم حاضر در این رقابت‌ها، فصل جدیدی از فوتبال باشگاهی کشورمان را آغاز کنند. اصفهان به عنوان یکی از قطب‌های صاحب اعتبار فوتبال کشور در این مسابقات مانند فصل‌های گذشته صاحب دو نماینده به نام‌های سپهان و ذوب‌آهن است. این دو نام و این دو باشگاه شش‌نامه فوتبال این خطه محسوب می‌شوند و به عبارتی فوتبال نصف جهان در سطح کشور با نام سپهان و سپس ذوب‌آهن شناخته می‌شود. این دو باشگاه قدیمی، ریشه‌دار و پرتمشاکر برای حضور قابل قبول در لیگ فصل جدید تغییرات گسترده و چشمگیری هم در سطح کادر رهبری و هم در سطح بازیکنان داده است. ابتدا باید به تغییر و تحولات سپهان اشاره کرد، چرا که این تیم جدای از حضور در رقابت‌های لیگ برتر باید در فاصله چهار روز پس از انجام اولین بازی مقابل ملوان در اصفهان، در فینال مسابقات جام حذفی باشگاه‌های کشور به جای مانده از فصل قبل در ورزشگاه آزادی تهران بازی رفت از مرحله نهایی این مسابقات را مقابل پرسپولیس برگزار کند. لوکا پوناچچ مربی کروات شاغل در فوتبال ایران، خیلی سریع‌تر از حد تصور با سپاهانی‌ها به توافق رسید تا سکاندار سپهان در فصل ۸۶ – ۸۵ باشد و سپاهانی‌ها در کنار لوکا موفق شدند منصور ابراهیم‌زاده کمک مربی علم‌گرای کرکندی و ذوب‌آهن ظرف چند سال گذشته را جذب نمایند تا کاملاً کادر فنی را تغییر داده باشند. البته سپاهانی‌ها با توجه به جدایی رضائی سرپرست پنج سال گذشته خود، پس از سه ماه معطلی و فرصت‌سوزی، دوشنبه گذشته موفق شدند مجید بصیرت بازیکن و کاپیتان سابق‌های قبل خود را به عنوان سرپرست معرفی کنند. سپاهانی‌ها برای حضوری مقتدرانه در لیگ در کنار جدایی چند بازیکن که شاخص‌ترین آنها خطیبی، آقایی و رودریگو بود، بازیکنانی چون شفیع، بهادرائی، عزیززاده، ابوالهیل و عمادرضا را جذب کردند تا یک تیم قدر و قابل قبول را روانه مسابقات کنند. برای یک اردوی دوازده‌روزه در تهران حضور در تورنمنت جهانی و نیم‌انجام پنج بازی تدارکاتی خوب در مقابل تیم‌های نفت آبادان، فجر سپاسی، نیروی زمینی، تراکتورسازی و پاس سبب شده تا آنها از یک برنامه خوب برای رسیدن به مرز آماردگی برخوردار باشند. برگزاری پنج مسابقه تدارکاتی برخود این حسن را برای سپهان و لوکا داشت تا آنها متوجه شوند که عناصر حاضر در ترکیب دفاعی تیم قادر به انجام وظیفه در سیستم ۳-۲-۳-۱ آنها که چهار دفاع تیم به صورت خطی در زمین عمل کنند، نیستند بر همین اساس لوکا خیلی سریع با تغییر سیستم و استفاده از سیستم ۳-۳-۱-۳-۲-۳-۱ تیمش را با یک مدافع پوششی روانه میدان کرد. به نظر می‌آید ترکیب ایده‌آل لوکا و سپهان این چنین باشد: آرمسناک پطروسیان، هادی عقیلی، محسن بنگر، حمید عزیززاده، هادی جعفری، ابوالهیل، احمد محمدپور، محرم نویدکیا، جلال اکبری، عمادرضا و حمید شفیع. این در حالی است که بازیکنان چون جواد شמושک نوشهر را جایگزین ابراهیم‌زاده کرد. ذوب‌آهن در فصل نقل و انتقال بیشترین ریزش را از نوع حذف یا جدایی بازیکنان داشته است. حمید عزیززاده، حمید شفیع و فرشاد بهادرائی سه بازیکنی هستند که با توجه به اتمام قراردادشان تمایلی برای ماندن در ذوب‌آهن نداشتند و از ذوب جدا شدند و بازیکنانی مانند لئون اسپتانیان، رضا عزیزز، فراز فاطمی، فرشاد بهادرائی، داسیلوا، میروسلاو هیل و کیوان ساجدی نیز به علت عدم تمایل ذوب‌آهن برای تمدید قرارداد از تیم جدا شدند. کرکبکندی در کنار ریزش و جدایی این ۱۰ بازیکن بازیکنانی مانند محمدرضا خلعتبری، علی آذری، حامی محمدزاده، فرشید طالبی و یک دروازه‌بان برزیلی را جذب کرد. ضمن اینکه قاسم حدادی و علی طهماسبی که فصل قبل به نفت آبادان رفته بودند دوباره به ذوب‌آهن بازگشتند. تمرینات سنگین، حساب شده و بدون حاشیه بود. برای یک اردوی دوازده‌روزه در آلمان و انجام چهار بازی تدارکاتی در آن کشور و سپس انجام یک بازی سنگین تدارکاتی در تهران در مقابل پرسپولیس که با پیروزی یک بر صفر آنها همراه بود سبب شده تا کرکبندی هم شناخت کاملی از تیمش به دست آورد و هم تیمش را به سمت و سوی آماردگی بیشتر هدایت کند. به نظر می‌آید کرکبندی با توجه به توانایی‌های فنی بازیکنان تیمش سیستم ۵-۲-۳-۳ یا ۳-۲-۳-۳-۱ را انتخاب کند. در همین رابطه با توجه به داشته‌ها و نداشته‌های ذوب‌آهن این گونه احساس می‌شود که عباس قاسمی دروازه‌بان اول ذوب‌آهن باشد. مصطفی صالح‌نژاد، سپهر حیدری، علیرضا نورمحمدی، گئورگ استراتولاتی، علی آذری، حسن اشجاری، محمدرضا خلعتبری، محمد منصوری، مهدی رجب‌زاده و اسماعیل فرهادی نفرات اصلی و دلخواه کرکبندی هستند. ضمن اینکه محمد هورنگ، علی احمدی، ابراهیم محمدی، سعید عشوری، قاسم حدادی، محمد صمصایی، مجید باجلان، علی طهماسبی و فرشید طالبی نیز آماده حضور در میدان هستند. در یک کلام و با توجه به برنامه های آماده‌سازی تیم سپهان و ذوب‌آهن و داشته‌ها و نداشته‌های فنی این تیم می‌توان انتظار داشت که هوش اصفهانی‌ها در چهار تیم بالای جدول بیش از فصل گذشته باشد.



ضرورت‌ها در بخش فوتبال نامید، اینک در دنیا ده‌ها راهکار برای جذب منابع مالی و تعریف‌های جدید از منابع و حذف موانع حقوقی و قانونی به کار برده می‌شود که کشورهایی که شاید تا سال‌های قبل در این زمینه و رشد فوتبال خود‌نامی از آنها در میان نبود اینک با بهره‌مندی از فضای مناسب برای درآمدزایی به سرعت در حال مطرح شدن هستند که به عنوان مثال از سنگاپور می‌توان نام برد. در سال گذشته فدراسیون فوتبال با استفاده از تجربیات قبل و الگوبرداری از طریق منابع متعدد به فوتبال تزریق کرد اما اینکه مدیریت هزینه و بسترسازی مستمر نیز برای بهره‌برداری از این فرصت‌های مالی کاملاً مثبت بوده باشد جای گفت‌وگو دارد اما حرکت و ساختار شکنی‌ها را می‌توان مبارک دانست. تا جایی که می‌توانیم با استفاده از تجربیات قبل و الگوبرداری مناسب از روش‌های جهانی و بومی‌سازی آن و ساماندهی منابع مالی بیشتری را برای فوتبال کشور تعریف کنیم و طی اجرای یک برنامه راهبردی و تدوین در بخش بازاریابی و تبلیغات (مارکتینگ در فوتبال) تا سال ۲۰۱۰ یعنی بازی‌های جام جهانی آفریقای جنوبی و به‌دسته‌بندی موانع به جذب درآمد در پنج بخش تبلیغات در ۱- لیگ برتر ۲- جام حذفی ۳- اسپانسریتی تیم‌های ملی ۴- بازی‌های تیم «تبلیغات محیطی» ۵- فروش گیفت‌های تبلیغاتی و فعالیت‌های فرهنگی «استفاده از حق کپی‌رایت آرم فدراسیون فوتبال» آن

به چندین برابر درآمد سال‌های قبل دست یافته و با در اختیار گرفتن این منابع ضمن انجام و بهینه کردن فعالیت‌های جاری در فوتبال نسبت به توسعه آموزش و زیرساخت‌های علمی، فرهنگی، فنی و گسترش مدارس فوتبال و . . . جذب مربیان بزرگ و تدارک بازی با تیم‌های مطرح اقدام کرد.
**ژئوس کمپته بازاریابی فدراسیون فوتبال**

## فوتبال

# تبلیغات و اقتصاد

اقدامات مشابه در مدیریت فوتبال کشور شکل گرفته است اما تردیدی وجود ندارد که این اقدامات را به منزله آغاز راه می‌بایست دانست و تمرینی و یکی از مهم‌ترین نیازها و

در همین زمینه

لیگ شنبه در حالی استارت می‌خورد که هنوز خبر دقیقی از وضعیت امسال اسپانسر های تبلیغاتی نیست. روایت‌ها در این باره مختلف است. درست هفته قبل بود که آگهی فدراسیون برای اعلام خیر مزایده تبلیغات دور زمین در روزنامه‌ها چاپ شد. یعنی بعد از مذاکراتی که علی‌آبادی با مجری سابق تبلیغات در استنادیوم‌ها داشت و گویا چانه‌زنی‌ها برای بالا بردن رقم پیشنهادی موثر نبود. شبکه سبز، شرکتی که در زمان فدراسیون دادکان با انعقاد قرارداد سه‌ساله تا آخر لیگ سال بعد، امتیاز تبلیغات را مال خود کرده، طبق قرارداد برای لیگ ۸۶-۸۵ با بیلارد و بر دو میلیارد و پانصد میلیون تومان دست به جیب‌شود. شبکه سبز در سال اول یک میلیارد و نهصد و پارسال دو میلیارد و صد به حساب فدراسیون واریز کرده. اما سازمان‌ها که از قضا یکی از ایرادات جدی‌ای که بر محمد دادکان می‌گیرد، پائین بودن درآمدها از بخش تبلیغات است، مبالغ بسیار بالاتری مدنظر داشت. به همین دلیل عملاً شبکه سبز با وجود داشتن قرارداد معتبر با فدراسیون فوتبال، امسش از لیست شرکت‌های صاحب شانس برای این دوره لیگ خارج شد تا در مزایده رسمی اتفاقات شیرین‌تری رخ دهد. اگرچه تا دیروز منابع آگاه از عدم انتخاب طرف قرارداد جدید با فدراسیون خبر می‌دادند ولی طبق شنیده‌ها براساس نگاه نام‌نامه سازمان تربیت بدنی و سازمان تأمین اجتماعی، یکی از شرکت‌های تابعه سازمان تأمین اجتماعی هفت و نیم میلیارد تومان برای لیگ امسال اسپانسر جمع و جور خواهد کرد. افزایش سه برابری به نسبت سال قبل که کمی بیش از حد بلندپروازانه به نظر می‌رسد. حالا باید منتظر ماند و دید شنبه اطراف زمین‌های محل مسابقات مثل بازی دوستانه ایران- امارات خالی از تابلوهای تبلیغاتی خواهد بود یا نه؟